



خورشید و پیه‌سوز!

اکنون چراغ عشق در این خانه مرده
است

باید که پیه‌سوز عبادت را
در خلوت خیال برافروزیم
آئینه‌های تجربه زنگار خورده است
باید که راه و رسم معیشت را
از کودکان خویش بیاموزیم

وبلاگ امروز را به بررسی ارتباط مستقیم «زبان گسست» با «تشکل‌های قانون‌شکن»، یا «سازمان‌های تبهکار» و «ساختارهای غیرمسئول» همچون طالبان و القاعده و به ویژه حکومت اسلامی جمکران اختصاص می‌دهیم. «تشکل تبهکار» حاکم بر ایران که ساخته و پرداخته استعمار است، طی سه دهه گذشته تحت عنوان «حکومت اسلامی» در رأس امور کشور قرار گرفته و از طریق تکثیر تشکل‌های مشابه خود در مناطق مرزی قانون‌شکنی را نه تنها در ایران که در کشورهای هم‌جوار نیز گسترش داده. پاسدار «شهید»، شوشتری نیز دست‌اندرکار اجرای همین طرح استعماری بودند که «تصفیه درون‌گروهی» شامل حال‌شان شد.

«پیشمرگان کرد مسلمان» شبیه‌سازی با هدف تخریب و نابودی تشکل «پیشمرگان کرد» است. پیشتر هم گفتیم برای تخریب هر پدیده «انسانی» کافی است صفت «مسلمان» یا «دینی» را به آن بیفزائیم، نتیجه کاملاً موفقیت‌آمیز خواهد بود. همچنانکه با افزودن صفت «اسلامی» به «جمهور» یک نظام توحش به دست آمد! باری پاسدار اسماعیل کوثری که از نظر حماقت و بی‌شعوری و توحش دست کمی از دیگر مقامات حکومت اسلامی ندارد، تجهیز گروه‌های غیرمسئول با هدف سرکوب مخالفان را «مشارکت آن‌ها در ارتقاء امنیت منطقه‌ای» می‌داند:

«هدف از مسلح کردن طوایف جنوب شرقی کشور [مشارکت آن‌ها در ارتقاء امنیت منطقه‌ای است.»

سخنان سرشار از بلاغت اسماعیل کوثری نشانگر درجه «درک» و فهم نوکران سازمان ناتو از «مشارکت» و «امنیت» است. امنیت، برای پادوهای سازمان ناتو در ایران همان است که در عراق و افغانستان حاکم شده: دولت غیرمسئول، فسادمالی، سرکوب و دروغ و تقلب. در واقع سپاه پاسداران به عنوان اهرم اصلی سرکوب ملت ایران از همان روش اربابان‌اش در افغانستان الگوبرداری می‌کند.

به پیروی از سیاست‌های اشغالگران در افغانستان، سپاه منفور پاسداران شرکای جنایتکار خود را در بلوچستان مسلح می‌کند تا در سکوت کامل به سرکوب بلوچ‌ها مشغول شوند. به گزارش «بی‌بی‌سی»، مورخ ۷ نوامبر ۲۰۰۹، اسماعیل کوثری، از فرماندهان سابق سپاه و نایب رئیس فعلی کمیسیون امنیت ملی «مجلس» جمکران در مصاحبه با «مهرنیوز» می‌گوید، مشابه همین طرح سال‌ها پیش در کردستان با موفقیت به اجرا گذاشته شده و گروهی به نام «پیشمرگان کرد مسلمان» در برابر «مخالفان نظام» قرار گرفتند! بله از آنجا که طرح گورکن‌ها برای سرکوب کردها «موفقیت‌آمیز» بوده، همین «طرح» را نیز قرار است در سیستان و بلوچستان به مورد اجرا بگذارند:

«این برنامه مشابه برنامه موفقیت‌آمیز دیگری است که سال‌ها پیش [...] در منطقه کردستان در قالب پیشمرگان کرد مسلمان به اجرا در آمد [...] در آن سال‌ها نیز سپاه پاسداران با مسلح کردن گروهی از کردها، آن‌ها را در مقابل کسانی قرار داد که مخالف جمهوری اسلامی بودند.»



آمریکا و انگلستان و شرکاء نیز سران طوائف را در عراق و افغانستان تجهیز می‌کنند تا دست اینان برای باج‌گیری از افغان‌ها و عراقی‌ها باز باشد. به این ترتیب مسئولیت جنایاتی که در این کشورها رخ می‌دهد، متوجه اشغالگران نخواهد بود و در سطح رسانه‌های بین‌المللی نیز به سکوت کامل برگزار می‌شود. همچنین سازمان‌های مدعی دفاع از حقوق بشر به این جنایات اعتراض نخواهند کرد، چرا که در قاموس اینان چنین جنایات «خداپسندانه‌ای» بر اساس «فرهنگ مردم» صورت می‌گیرد!

به عبارت دیگر، در قاموس فعله فاشیسم «سرکوب مردمی»، یعنی قرار دادن «مردم مسلح» در برابر «مردم» تأمین امنیت خوانده می‌شود. اینجاست که به فواید تل ناشناس «مردم» می‌توان پی برد. تل «مردم» به عنوان یک مجموعه «موهوم» با «مطالباتی موهوم» در برابر هیچ نهادی در داخل کشور «پاسخگو» نیست، در نتیجه، و به طریق اولی این تل موهوم در برابر نهادهای بین‌المللی نیز پاسخگو نخواهد بود. درست مانند دیگر تشکل‌های مبهم و دست‌ساز استعمار در بطن حکومت جمکران همچون «دانشجویان پیروخط امام»، «فدائیان اسلام»، «حزب‌الله» و لباس شخصی‌ها که هیچ ارتباطی نه با «تشکل‌های سیاسی» دارند و نه با «دولت»! اینان جهت قانون‌شکنی‌های خود در برابر قانون هیچ مسئولیتی نخواهند داشت. در چارچوب سیاست‌های منطقه‌ای سازمان ناتو، در رأس این سازماندهی مبهم و قانون‌شکن، تشکل قانون‌شکن و غیرمسئولی به نام «حکومت اسلامی» قرار گرفته که برای سرکوب ملت ایران و پیشبرد سیاست اربابان‌اش در لندن و واشنگتن همواره به تل موهوم «مردم» تکیه می‌کند. پس طبیعی است که سپاه منفور پاسداران، یعنی بازوی سرکوب نظامی حکومت اسلامی نیز برای «سرکوب مردم» به همان «مردم» متوسل شود و پاسدار کوثری نیز در کمال حماقت به تمجید و ستایش از این شیوه سرکوب بنشیند و ضمن پرگوئی

و وراجی «بند» را حسابی به آب داده، همه اخبار موثق خبرگزاری‌های رسمی حکومت در باب اهداف صلح‌جویانه پاسدار شوشتری را با یک چرخش زبان به بی‌بی‌گوزک تبدیل کند. به گفته کوثری، پاسدار شوشتری برای مسلح کردن سران طوائف به بلوچستان تشریف‌فرما شده بودند:

«مسلح کردن طوائف به صورت یک حرکت مردمی بود که آقای شوشتری آن را انجام داد تا خود مردم امنیت خودشان را برقرار کنند!... آقای شوشتری با هدف برگزاری نشستی برای مسلح کردن طوائف به این منطقه سفر کرده بود.»

بله این پاسدار جنایتکار «شهید» در واقع مجری طرح «درگیری نظامی» بین مردم بلوچستان بوده و این امر «اسلامی» می‌بایست تحت نظارت اربابان‌شان تحقق یابد. تصاویر پاسدار شوشتری در سایت «پیکنت» شاهدهی است بر این مدعا که حکومت اسلامی و سپاه پاسداران به مزدوری برای سازمان ناتو مشغول‌اند، البته با شعار احمقانه و مبهم «مبارزه با استکبار جهانی!» پیش از ادامه مطلب لازم است پیرامون «اسلام نوازی» نوآم چامسکی نیز «توضیحاتی» بیاوریم.

نوآم چامسکی همچنانکه می‌دانیم، از مدافعان سرشناس حقوق بشر و از مخالفان «پروپاگاندا» است. پیشتر در مورد



ما ملت تحمیل کردند و بعدها نیز در دورهٔ طلائی ریاست جمهوری کلینتون، ملامعمر، بدیل افغان خمینی را در کشور افغانستان به حکومت رساندند. دلیل ارادت محفل برژینسکی به حکومت‌های اسلامی تقویت جنگ‌طلبان اسرائیل است. هر چه حکومت‌های اسلامی بیشتر خواهان «تابودی اسرائیل» و به قول مهرورزی پاک کردن اسرائیل از روی نقشهٔ جهان شوند، جنگ‌طلبان در اسرائیل و در میان یهودیان آمریکا و اروپا تقویت خواهند شد. چرا که نفی «موجودیت قانونی» کشوری به نام اسرائیل از یکسو، قانون شکنی در کشورهای مسلمان‌نشین را تقویت می‌کند و تمایلات و احساسات «مردم» را در برابر «قوانین بین‌المللی» قرار می‌دهد، و از سوی دیگر زمینهٔ مساعد جهت تجهیز اسرائیل به سلاح‌های تهاجمی پیشرفته برای تهدید کشورهای مسلمان‌نشین را فراهم می‌آورد. این فرمول ساده‌تر از آن است که نیازمند توضیح بیشتر باشد. به محض اینکه خبر تجهیز اسرائیل منتشر می‌شود، جهان اسلام نیز به نوبهٔ خود برای خرید اسقاطی‌های ارتش ناتو به التماس می‌افتد و منافع این دور باطل استعماری به جیب تفنگ‌فروش‌های ینگه‌دنیا و شرکای‌شان در لندن سرازیر می‌شود. این است دلیل واقعی انتقادات بشردوستانهٔ اعضای محفل کارتر از اسرائیل. این انتقادات «سازنده» جنگ و بحران را در منطقه گسترش می‌دهد و هر چه

«پروپاگاندا» مفصلاً توضیح داده‌ایم پس تکرار مکررات نکنیم، فقط این نکتهٔ مهم را یادآور شویم که پروپاگاندا به دلیل تحریک احساسات فرد، عقل سلیم را به چالش کشانده و قدرت استدلال منطقی را از انسان سلب می‌کند. به همین دلیل پروپاگاندا «انسان‌ستیز» است و سرچشمهٔ خشونت به شمار می‌رود. و به همین دلیل نیز چامسکی ادعای مخالفت با پروپاگاندا را دارد، چرا که نظریهٔ نوام چامسکی بر «انسان» تکیه می‌کند. البته پیشتر هم گفتیم که این نظریهٔ فریبنده به «زبان انگلیسی» و برای حفظ پرستیژ جهانی ایشان مطرح شده. چامسکی در استدلال‌هایش زمانیکه به مناطق مسلمان‌نشین می‌رسد، به ویژه در مورد لبنان، فلسطین و ایران موضعی متفاوت اتخاذ کرده، آشکارا در تضاد کامل با «انسان‌محوری» قرار می‌گیرد. البته ایشان این مواضع انسان‌ستیز را در پوشش فریبندهٔ «انتقاد از جنایات اسرائیل» به مخاطب حقه می‌کنند. چامسکی - به درستی - پیوسته از تجاوز و شکنجه و خشونت اسرائیل بر علیه فلسطینی‌ها سخن بر زبان می‌آورد، ولی هدف از این انتقادات مزورانه، در واقع قراردادن افکار عمومی کشورهای مسلمان‌نشین در برابر روند «صلح» و «مذاکره با اسرائیل» است. همان هدفی که محفل «برژینسکی - کارتر» با انتشار «خاطرات» گوساله‌فریب ایندو و «تحقیقات» مضحک استادان «مسلمان» آکادمی‌های ینگه دنیا دنبال می‌کند.

اینان انتقاد از جنایات اسرائیل را به ابزاری جهت «تداوم» و گسترش همین جنایات تبدیل کرده‌اند؛ همچنانکه با جنجال پیرامون عدم رعایت «حقوق بشر» در ایران دوران شاه، با توسل به یک جانور وحشی به نام خمینی، حکومت توحش اسلامی را برای گسترش سرکوب و جنگ در کل منطقه بر



دامنه جنگ گسترش یابد بر شکوه و جلال جشن «پیروزی» در لندن و واشنگتن افزوده خواهد شد.

نفی موجودیت اسرائیل، نفی قوانین بین‌المللی و نفی «تاریخ» است. کشور اسرائیل همچون پاکستان موجودیت قانونی و تاریخی دارد. این دو کشور عضو سازمان ملل اند و هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که از یکسو اسرائیل را نفی کنیم و از سوی دیگر تأییدی بر موجودیت پاکستان داشته باشیم. هر دو کشور برای ایجاد تنش در منطقه ایجاد شده‌اند، هر دو نقش خود را به عنوان عامل تنش بخوبی ایفا کرده‌اند، با این تفاوت که اگر یک دلیل منطقی برای ایجاد اسرائیل وجود داشته باشد، هیچ دلیل منطقی برای ایجاد «کشور پاک‌ها» وجود نداشته. ولی با آواره کردن بیش از ۱۲ میلیون هندی، استعمار بریتانیا کشور پاکستان را در مرز ایران، هند و افغانستان «خلق» کرد! یکی از دلایل بی‌شمار این «کشور آفرینی» ممانعت از ایجاد ارتباط مستقیم بین دموکراسی هند و کشور استبدادزده ایران بود. به عبارت دیگر ایجاد پاکستان یک «گسست» جغرافیائی در منطقه ایجاد کرد که به فجایع تاریخی انجامید و دامنه این فجایع همچنان گسترش می‌یابد. پس بازگردیم به فواید «گسست» و «قانون شکنی» برای استعمار غرب که از طریق پایه‌ریزی حکومت‌های الهی حاصل می‌شود.

حکومت الهی چیست؟ حکومت الهی، تبلور همه جانبه یک ساختار استعماری و «غیرپاسخگو»، «مسئولیت گریز» و «قانون شکن» است. حکومت الهی خود را مجری «قوانین» الهی معرفی می‌کند، رهبر این حکومت نیز در برابر «خدا» مسئولیت دارد، و نهادهای شبه‌قانونی چنین حکومتی خود را در برابر «مردم» مسئول می‌دانند! چرا که

«مردم»، فاقد موجودیت «حقیقی» و «حقوقی» بوده، وجود خارجی ندارد! به همین دلیل حکومت کذا از اینکه «ملت» در قالب «احزاب» و «اصناف» و تشکل‌های قانونی و اتحادیه‌ها و ... از ابهام حاکم بر جامعه خارج شوند بی‌نهایت بیمناک است. چرا که «حزب» اساسنامه و اهداف مشخص و منطقی دارد، در صورتی که «مردم» نه مرامنامه دارند، نه اهداف مشخص. بنابراین می‌توان بر حسب منافع استعمار «مطالبات مردم» و دیگر تشکل‌های موهوم را «تنظیم» کرد. سه دهه است که می‌شنویم «مردم» اسلام را می‌خواهند! مردم مخالف رابطه با آمریکا و اسرائیل‌اند، «مردم» فرهنگ غرب را نمی‌خواهند! و ... و سخنگوی این «مردم» کیست؟ یک حاکمیت مزدور آمریکا که سلاح و تجهیزات خود را با اجازه آمریکا از اسرائیل دریافت می‌کند تا با عراق بجنگد و ملت ایران را نیز سرکوب کند. روشن‌تر بگوئیم برای ایجاد گسست در نظم انسانی و منطقی جامعه «مردم» بهترین ابزار به شمار می‌رود. چرا که «انسان‌ستیزی» یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های همین «مردم» است.

این واژه جادویی همزمان تداوم تاریخی، نظم اجتماعی، مطالبات انسانی و دموکراسی و قوانین بین‌المللی را نیز «نفی» می‌کند، بدون اینکه پاسخگوی چنین تخریب همه



دراز می‌کنیم یک گام از انسانی‌ات خود دور می‌شویم، و بندگی و ذلت خود را می‌پذیریم. اگر ۱۴ سده پیش عرب با تحمیل «گسست» جامعه ایران را از هم فروپاشاند، امروز این استعمار غرب است که پشتیبان تحمیل «گسست از انسانی‌ات» بر ایرانی شده.

ما از حریم آتش و خاکستر شب را به پیشواز سحر بردیم بگذار تا دوباره در آئینه بنگریم

[...]

بگذار تا به خویش بپیوندیم

(نادر نادریور)

جانبه‌ای باشد. حکومت اسلامی به نام «خدا» مدافع «مردم» است! خدا پاسخگو و مسئول است؟ خیر! مردم پاسخگو و مسئول‌اند؟ به هیچ عنوان! پس با تکیه بر این دو پدیده مبهم و غیرمسئول می‌توان نظم انسانی و مسئولانه را در هم کوبید. «ایجاد گسست» و لات‌بازی و عوام‌پرستی و قانون‌شکنی فقط با توسل به این شمشیر دودم «ابهام‌زا» امکان‌پذیر می‌شود. نتیجه این ابهام در برابرمان است: حکومت اسلامی به عنوان یک تشکل تبه‌کار که هیچ قانونی جز قانون الهی استعمار نمی‌شناسد.

این حکومت دروغ می‌گوید، نان را به نرخ روز می‌خورد، و جز تزویر و ریا هیچ سیاستی ندارد. کافی است به «شایعه پراکنی» رسانه‌های‌اش نگاه بی‌فکنیم، و سخنان متناقض «رهبر» و نخبگان‌اش را بررسی کنیم. هیچ تداومی در سیاست این حکومت وجود ندارد، جز تداوم «ابهام». هر روز، بر حسب منافع ارباب «مسیر» حکومت قدر قدرت «تغییر» می‌کند. استعمار غرب با استقرار حکومت اسلامی، ما را از «زمان» و «مکان» و «انسانی‌ات» به طور کامل جدا کرده. تداوم تاریخی ما را با «دین» از هم فروپاشانده، و اینک قصد تجزیه ایران به چندین منطقه تحت نظارت «طالبان» را نیز دارد. طالبان سنی، شیعه، کرد، بلوچ و ... و این خیانت را پاسداران مزدور استعمار «مشارکت مردم در ارتقاء امنیت منطقه‌ای» می‌نامند. این «معجزات» را مدیون نمازهای پنجگانه‌ایم.

هر روز، پنج نوبت با نفی «واقعیت» زمان و مکان، انسانی‌ات و ایرانی‌ات خود را فراموش کرده، به زبان اشغالگران تازی، و به تقلید از آنان، توحش و تحجرشان را «بازتولید» می‌کنیم. هر روز پنج نوبت بر هجوم تازیان مسلمان به کشورمان مهر تأیید می‌زنیم، و هر روز پنج نوبت خود را «بنده» و عبید خداوندی می‌نامیم که به نام مقدس او اموال ما را تاراج کرده، نیاکان ما را به اسارت و بردگی گرفته‌اند. خداوندی که به نام مقدس او دهه‌هاست ما ملت را به ذلت کشانده و کشورمان را به مخروبه تبدیل کرده‌اند. هیچ انسانی چنین حقارت و ذلتی را با آغوش باز پذیرا نمی‌شود. هر بار دست نیاز به سوی خداوند ابراهیم

